

The Principles Governing the Valuation of Intellectual Property under the Iranian Legal System



Pejman Mohammadi

Full Professor, Department of Intellectual Property Law,
Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran,
Iran (Corresponding Author)
p.mohamadi@modares.ac.ir



Zahra Hemtian

Graduate of Intellectual Property Law, Faculty of Law,
Tarbiat Modares University, Tehran
Hemmatiyan_zahra@modares.ac.ir

Received: 2026-03-20

Accepted: 2026-04-29



Abstract

Intellectual property assets are original creations of the human mind that, with the rapid advancement of technology, have become strategic assets in the knowledge-based economy and have become inextricably linked to various aspects of human life. The valuation of these assets serves as a means of assessing their legal and commercial potential and provides a basis for decision-making in licensing agreements, the resolution of legal disputes, tax matters, and other related contexts. Conversely, the absence of accurate valuation may undermine competitive positioning and result in the loss of potential benefits. Given the intangible nature and inherent complexity of these assets, their valuation is among the most challenging yet essential processes.

Journal of Research and Development
in Technology Law and Intellectual
Property

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 1 | No. 1 | Spring & Summer 2026

(Original Article)

www.jtllip.illrc.ac.ir

doi:

10.22034/jtllip.2026.735329

Despite the enactment of the 1396 Regulation on the Valuation of Intangible Assets in Investment Projects, exclusive reliance on computational methods and the lack of a systematic connection between economic calculations and fundamental legal principles, such as confidentiality, transparency, and impartiality, may undermine the evidentiary value and acceptance of valuation reports by the relevant authorities. Accordingly, this study addresses the question of which principles govern the valuation of intellectual property assets and what role they play in establishing the credibility of valuation outcomes. Using an analytical approach based on library and online sources and drawing on the aforementioned Regulation and international standards, the study demonstrates that these principles constitute the backbone of the valuation process and, when properly applied, establish a functional link between economic calculations and legal legitimacy. The findings indicate that the effectiveness of valuation is maximized when these principles, including confidentiality and transparency, transcend abstract notions and are operationalized through transparent documentation of assumptions and market data, clear identification of the valuation objective and standard of value, precise definition of the rights under assessment, and determination of the valuation date. Accordingly, translating these principles into actionable guidelines, together with the establishment of institutional mechanisms for oversight and documentation, can enhance the legitimacy, coherence, and effectiveness of the intellectual property valuation system in Iran.

Keywords: Intellectual Property Valuation; Valuation Principles; Transparency; Conflict of Interest



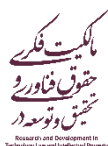
اصول حاکم بر فرایند ارزش گذاری اموال فکری در نظام حقوقی ایران

پژمان محمدی 

استاد گروه حقوق مالکیت فکری، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس،
تهران، ایران (نویسنده مسئول) p.mohamadi@modares.ac.ir

زهرا همتیان 

دانش آموخته ی رشته ی حقوق مالکیت فکری، دانشکده حقوق دانشگاه
تربیت مدرس، تهران، ایران Hemmatian_zahra@modares.ac.ir



تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۲۹

چکیده

اموال فکری آفریده‌های اصیل ذهن انسان هستند که با شتاب گرفتن فناوری، به سرمایه‌ای راهبردی در اقتصاد دانش بنیان بدل شده و پیوندی ناگسستنی با ابعاد گوناگون زندگی انسان‌ها یافته است. ارزش گذاری این اموال، ابزار سنجش توان حقوقی و تجاری و مبنایی برای تصمیم‌گیری در قراردادهای بهره‌برداری و حل‌وفصل اختلافات حقوقی، امور مالیاتی و ... است؛ حال آنکه فقدان ارزش گذاری دقیق می‌تواند موقعیت رقابتی را تضعیف کرده و به از دست رفتن منافع بالقوه بینجامد. با توجه به طبع ناملموس و پیچیدگی‌های مربوط به این اموال، ارزش گذاری آن‌ها از دشوارترین و درعین حال مهم‌ترین فرایندها به شمار می‌رود. باوجود تصویب آیین‌نامه ارزش گذاری دارایی‌های نامشهود در طرح‌های سرمایه‌گذاری مصوب ۱۳۹۶، اتکای صرف به روش‌های محاسباتی و فقدان پیوند نظام‌مند میان محاسبات اقتصادی و اصول بنیادین حقوقی همچون محرمانگی، شفافیت و بی‌طرفی، موجبات کاهش استناد پذیری و پذیرش گزارش‌های ارزش گذاری در مراجع ذی‌ربط را فراهم می‌آورد.

دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق فناوری
و مالکیت فکری

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۱ | شماره ۱ | بهار و تابستان ۱۴۰۵

(مقاله پژوهشی)

www.jtlip.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/jtlip.2026.735329

بر این اساس، این پژوهش به این پرسش می‌پردازد که اصول حاکم بر ارزش‌گذاری اموال فکری کدام است و چه نقشی در اعتباربخشی به نتایج ارزش‌گذاری دارند. پژوهش با رویکردی تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و با اتکا بر آیین‌نامه یادشده و استانداردهای بین‌المللی نشان می‌دهد که این اصول ستون فقرات فرایند ارزش‌گذاری را تشکیل می‌دهند و در صورت کاربست صحیح، پیوندی کارکردی میان محاسبات اقتصادی و مشروعیت حقوقی برقرار می‌سازند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که کارایی ارزش‌گذاری زمانی به حداکثر می‌رسد که اصول مزبور از جمله اصل محرمانگی و شفافیت؛ از سطح مفاهیم انتزاعی فراتر رفته و در قالب مستندسازی شفاف مفروضات و داده‌های بازار، تعیین هدف و معیار ارزش، تعریف دقیق حقوق مورد ارزیابی و تعیین تاریخ ارزش‌گذاری، عملیاتی شوند. بدین‌سان، تبدیل این اصول به دستورالعمل‌های اجرایی، همراه با ایجاد سازوکارهای نهادی برای نظارت و مستندسازی فرایندها می‌تواند به ارتقاء مشروعیت، انسجام و اثربخشی نظام ارزش‌گذاری اموال فکری در ایران بینجامد.

کلیدواژه‌ها: ارزش‌گذاری اموال فکری، اصول ارزش‌گذاری، شفافیت، تعارض منافع.

مقدمه

در اقتصاد دانش بنیان امروز، اموال فکری سهمی مهم در ایجاد ارزش و مزیت رقابتی دارند و ارزش گذاری آن‌ها را نمی‌توان صرفاً به یک محاسبه عددی تقلیل داد. از منظر اقتصادی، ارزش را نمود منافع آینده مالکیت یک مال می‌دانند که با گذر زمان افزایش یا کاهش می‌یابد. (Ojha & Kumari, 2023: 16) در حوزه مالکیت فکری، ارزش یک مال به میزان حمایت قانونی، توان اجرای حقوق و دامنه حقوق انحصاری آن بستگی دارد (Gordon and L Parr, 2004: 4-5). حقوق مالی، اقتداری است که دارنده را جهت انتفاع مادی از مال و رفع حوائج و نیازهای مالی توانمند می‌سازد (محمدی، محمد کریمی، ۱۴۰۴: ۱۶۹) و مسلّم است که حقوقی که ارزش مالی و اقتصادی داشته باشند نیز، جزو اموال به شمار می‌آیند؛ هرچند که موضوع آن‌ها شیء معین مادی نیست (محمدی، اسدی، ۱۴۰۴: ۵-۴). ناملوس بودن این اموال و وابستگی ارزش آن‌ها به درآمدها و وضعیت بازار در سال‌های آینده، موجب می‌شود بخش مهمی از ارزش گذاری بر برآورد شرایط آتی و ارزیابی‌های کارشناسی تکیه داشته باشد. از سوی دیگر، این ویژگی سبب شده است که استفاده هم‌زمان چندین فرد از یک مال فکری، نه تنها موجب کاهش ارزش یا امکان بهره‌برداری دیگران نشود، بلکه در بسیاری موارد به ارتقاء ارزش جمعی آن نیز بینجامد. (Jamar et al, 2024: 24-25) از این رو، پیش از انتخاب و به کارگیری روش‌های ارزش گذاری، باید بر اصولی تکیه کرد که سازنده بنیان این فرایند هستند. اصول، نقش قواعد ثابت و بنیادین را دارند و بی‌توجهی به آن‌ها می‌تواند حتی دقیق‌ترین محاسبات را از اعتبار اقتصادی و حقوقی خارج کند (Koller et al, 2020: 27-28).

سوم، پیوند ارزش گذاری با نهادهای رسمی مانند دادگاه‌ها، سازمان مالیاتی، بانک‌ها و نهادهای تنظیم‌گر، سبب می‌شود پذیرش و اثرگذاری گزارش ارزش گذاری منوط به شفافیت، مستندسازی و انطباق با الزامات مقرراتی باشد (WIPO IP Valuation Manual: Module 11, 2020: 16). از همین رو، در استانداردها و راهنماهای بین‌المللی، از جمله^۱ IVS،

^۱. International Valuation Standards.

ISO 10668^۱ و اسناد مرتبط با^۲ OECD، تقدم اصول بر انتخاب روش‌ها مورد تأکید قرار گرفته است و ارزش‌گذار موظف است داده‌های بازار را به صورت مستند به کار گیرد، مفروضات را به روشنی بیان کند و امکان بررسی و پاسخ‌گویی شفاف را فراهم سازد.

در نظام حقوقی ایران نیز این رویکرد جایگاه روشنی یافته است. هرچند مطابق ماده‌ی ۲ «آیین‌نامه‌ی ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود در طرح‌های سرمایه‌گذاری» (از این به بعد آیین‌نامه) که در تاریخ ۱۳۹۶/۰۲/۱۷ به تصویب رسیده که گستره‌ی شمول آن، «کلیه طرح‌های سرمایه‌گذاری که یک طرف آن‌ها دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری بوده و تمام یا بخشی از موضوع قرارداد، انتقال یا تجویز بهره‌برداری از اصل یا منافع دارایی‌های نامشهود باشد یا به عنوان آورده سرمایه‌گذار ارائه شود و نیز دارایی‌های نامشهودی که تحت حمایت قوانین مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی وارد کشور و یا از کشور خارج می‌شود»، هست و نباید تصور کرد که این مصوبه به دنبال گره‌گشایی از اصل مسئله ارزش‌گذاری اموال نامشهود به صورت عام و عمومی است (اسلامی تبار، حقی، رئیسی، ۱۴۰۲: ۱۱). با این حال این آیین‌نامه با رویکردی قاعده‌مند، اصول بنیادین ارزش‌گذاری را تعیین کرده و رعایت آن‌ها را در تمامی مراحل الزامی می‌داند. این اصول، از محرمانگی، شفافیت و بی‌طرفی تا اجتناب از تعارض منافع، اتکا به مطالعات بازار داخلی و بین‌المللی و بهره‌گیری از تحلیل‌های مالی، اقتصادی، تجاری و فناوریانه، همراه با انطباق با استانداردهای حسابداری لازم‌الاجرا و رعایت قوانین کشور، چارچوبی فراهم می‌کنند که در پرتو آن امکان انتخاب روش مناسب ارزش‌گذاری اعم از درآمد، بازار یا هزینه محور و تهیه گزارشی واقع‌گرایانه، مستند و قابل استناد فراهم

^۱. ایزو ۱۰۶۶۸ یک استاندارد بین‌المللی است که به ارزیابی مالی برندها می‌پردازد. این استاندارد چارچوبی را برای تعیین ارزش پولی یک برند ارائه می‌دهد و روش‌های مختلفی را برای محاسبه این ارزش معرفی می‌کند و به شرکت‌ها کمک می‌کند تا تصمیمات استراتژیک بهتری در مورد مدیریت و سرمایه‌گذاری در برندهای خود اتخاذ کنند.

^۲. Organization for Economic Co-operation and Development Report.

می‌شود. افزون بر این، تبصره این ماده، رعایت الزامات و انجام اقدامات قانونی حمایت از مال فکری توسط قانون‌گذار را، پیش‌شرط ارزش‌گذاری رسمی دانسته است. در آثاری که به موضوع ارزش‌گذاری اموال فکری پرداخته‌اند، ازجمله مقاله‌ای با عنوان «ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود در نظام‌های حقوقی ایران، چین و کره جنوبی» نوشته‌ی امیر اسلامی تبار، محسن حقی و محسن رئیسی در سال ۱۴۰۲؛ و پایان‌نامه‌ای با عنوان «ارزش‌گذاری دارایی‌های فکری» نوشته‌ی راحله سادات رجالی دفاع شده در دانشگاه قم در سال ۱۳۹۱؛ صرفاً به روش‌های ارزش‌گذاری پرداخته‌شده و ذکر از اصول، به عمل نیامده است.

باوجوداین مبانی، به نظر می‌رسد در ادبیات حقوقی و رویه عملی کشور، هنوز نقشه راه یکپارچه‌ای که اصول مزبور را با اجزای اجرایی فرایند ارزش‌گذاری پیوند بدهد، کمتر تبیین شده است. در چنین وضعیتی پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان چارچوبی منسجم، کاربردی و متکی بر مبانی حقوق ایران فراهم آورد که ضمن بهره‌گیری از دستاوردهای بین‌المللی بتواند اصول بنیادین ارزش‌گذاری را به‌روشنی تعریف کند و ارتباط آن‌ها را با مراحل گوناگون فرایند ارزش‌گذاری برقرار سازد. لازمه پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها تدوین چارچوبی است که اصول مقرر در آیین‌نامه را از منظر حقوقی و کارکردی تحلیل کند و کارکرد واقعی آن‌ها را در فرایند ارزش‌گذاری روشن سازد و این اصول را با مراحل اجرایی ارزش‌گذاری به شکلی منظم و قابل اجرا پیوند دهد. چنین چارچوبی باید بتواند به‌عنوان راهنمایی عملیاتی در اختیار ارزش‌گذاران، وکلای طرفین و مراجع تصمیم‌گیرنده قرار گیرد تا از پراکندگی رویه‌ها کاسته شود و مبنایی برای تصمیم‌گیری مستند و هماهنگ فراهم آید. همچنین سنجش این چارچوب در پرتو مقایسه تطبیقی با استانداردهای بین‌المللی مانند IVS و ISO 10668 و دیگر راهنماهای مرتبط، امکان شناسایی کاستی‌ها و اصلاح و ارتقای فرایند ارزش‌گذاری این اموال در ایران را فراهم می‌کند

پژوهش به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی و بر پایه‌ی منابع کتابخانه‌ای، به بررسی اصول مقرر در آیین‌نامه، تبیین جایگاه و حدود هر یک از این اصول در حقوق ایران و تطبیق با

استانداردهای بین‌المللی از جمله IVS و ISO 10668 و سایر راهنماهای معتبر، می‌پردازد. ساختار مقاله بدین‌صورت تنظیم‌شده است که ابتدا مفهوم اصل در ارزش‌گذاری و ویژگی‌های آن توضیح داده می‌شود سپس مقدمات لازم برای اعمال اصول، بررسی می‌گردد. در ادامه اصول مندرج در ماده‌ی ۴ آیین‌نامه به همراه تبصره ماده ۴ تحلیل و با استانداردهای بین‌المللی تطبیق داده می‌شود و در پایان جمع‌بندی و پیشنهاد‌های اجرایی به‌منظور تقویت پذیرش قضایی و اداری و ارتقای کیفیت گزارش‌های ارزش‌گذاری ارائه می‌گردد.

۱. چيستی «اصل»^۱ در ارزش‌گذاری اموال فکری

باوجوداین که واژگان «ارزش» و «قیمت» ممکن است به‌جای هم استفاده شوند، اما این دو مفهوم با یکدیگر متفاوت‌اند. ارزش، نمودی از منافع اقتصادی بالقوه و بالفعل ناشی از تملک یک مال است. قیمت، مبلغ مقطوع توافق شده بین طرفین است که لزوماً بیان‌گر ارزش واقعی یک مال نیست. ارزش‌گذاری اموال فکری در پیوند میان حقوق و اقتصاد، تنها یک عملیات عددی یا محاسباتی ساده نیست؛ بلکه فرایندی چندلایه است که اعتبار و اتکاپذیری آن بر رعایت «اصول» بنیادین استوار می‌ماند. در نظام‌های پیشرفته، «اصل» مرتبه‌ای فراتر از «روش»^۲ دارد: روش‌ها ممکن است بر اساس نوع مال فکری، هدف ارزش‌گذاری، وضعیت بازار یا تحولات فناورانه دگرگون شوند؛ اما اصول، همچون قواعد راهبردی ثابت، همیشه باید رعایت شوند. بی‌توجهی به این اصول، حتی دقیق‌ترین محاسبات را از درجه استناد و اعتبار خارج می‌کند.

اصل در لغت به معنای پایه و ریشه است. در اصطلاح‌شناسی حقوقی، «اصل» به قواعد کلی، پایدار و الزام‌آوری اطلاق می‌شود که نقش مبنایی در ساماندهی یک فرایند دارند. درواقع اصول، احکامی کلی، دائمی و الزامی‌اند که مبنای حقوق موضوعه قرارگرفته و عقل مستقل آن را برای تضمین حقوق اساسی و سعادت انسان‌ها ضروری می‌داند و نقش

^۱. Principle.

^۲. Method.

هدایت‌کننده‌ای در قانون‌گذاری و دادرسی دارد (حیاتی، ۱۳۹۷: ۳۴-۳۰) و از «روش» (شیوه اجرایی متغیر) و «قاعده»^۱ (حکم ناظر به مصادیق معین) متمایز است.

۲-۱ ویژگی‌های اصول ارزش‌گذاری

اصول ارزش‌گذاری به‌عنوان پایه و مسیر نما در فرایند ارزیابی عمل می‌کنند و با ایجاد جهت و چارچوبی مشخص، این امکان را فراهم می‌آورند که تصمیم‌گیری‌ها از حالت پراکنده و سلیقه‌ای خارج شود. این اصول به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که برای طیف گسترده‌ای از اموال، اعم از ملموس و ناملموس، قابلیت اجرا داشته باشند. آنچه اهمیت دارد، تمرکز بر مؤلفه‌های اثرگذار بر ارزش است؛ مؤلفه‌هایی چون منافع اقتصادی قابل‌انتظار، ریسک‌های مترتب، عمر اقتصادی، قابلیت انتقال و بهره‌برداری، وضعیت بازار و عرضه و تقاضا که به‌طور ماهوی در انواع مختلف اموال فکری نیز مشترک می‌باشد (Razgaitis et al, 2009: 201-202).

هنجاری بودن اصول ارزش‌گذاری موجب می‌شود که نتایج حاصل از آن‌ها بر پایه چارچوب‌های پذیرفته‌شده حقوقی و حسابداری استوار باشد و بتوانند در قراردادهای، تأمین مالی، گزارشگری یا دعاوی حقوقی، مبنای تصمیم‌گیری قرار گیرند. به این ترتیب، نتایج حاصل از ارزش‌گذاری علاوه بر کاربردی بودن، قابلیت دفاع و اتکا در مراجع رسمی و تخصصی را نیز خواهند داشت (Ibid: 205). این اصول، انعطاف‌پذیر و ثابت‌اند. به این معنا که در عین ثابت بودن بنیان، توان هماهنگ شدن با انواع مختلف اموال فکری و شرایط متغیر بازار را دارند. ارزش‌گذار می‌تواند بدون عدول از این اصول، روش‌ها و مدل‌های متفاوت را متناسب با نوع مال و هدف ارزیابی به کار گیرد. همین ویژگی باعث می‌شود اصول ارزش‌گذاری هم استحکام نظری داشته باشند و هم در عمل، پاسخ‌گوی شرایط متنوع و پویای حوزه فناوری و کسب‌وکار باشند و صاحبان اموال فکری بتوانند در شرایط جدید تصمیمات درست‌تری اتخاذ کنند. (Ibid: 204).

^۱.Rule.

این اصول همچنین می‌بایست با واقعیت هر صنعت، مرحله رشد هر کسب‌وکار و انتظارات متفاوت تصمیم‌گیرندگان قابلیت تطبیق داشته باشد. گاهی هدف سودآوری بیش‌تر است، گاهی سرعت ورود به بازار اهمیت پیدا می‌کند و در برخی موارد ثبات بلندمدت یا افزایش سهم بازار در اولویت قرار می‌گیرد؛ بنابراین اصول ارزش‌گذاری باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که تحلیل‌گر بتواند مسیر تحلیل را متناسب باهدف تنظیم کرده و مناسب‌ترین روش را انتخاب کند. درنهایت، اصول ارزش‌گذاری، مستقل از اجرا هستند؛ به این معنا که این اصول، ناظر بر کیفیت جزئیات اجرای روش‌ها نیستند؛ بلکه ساختار کلی و جهت‌گیری اساسی ارزش‌گذاری را تضمین می‌کنند. به همین دلیل، حتی در صورت اجرای متفاوت توسط افراد یا نهادهای مختلف، نتایج به‌دست‌آمده همچنان هم‌سنگ، قابل‌مقایسه و معتبر خواهند بود.

۲. مقدمات اعمال اصول و صورت‌بندی فرایند ارزش‌گذاری

مقدمات اعمال اصول و صورت‌بندی فرایند ارزش‌گذاری، مرحله‌ای است که در آن چارچوب مفهومی و عملیاتی ارزش‌گذاری تثبیت می‌شود. در این بخش، مبانی نظری مرتبط با اصول مورد استفاده، تعیین می‌گردد و سپس نحوه تبدیل این اصول به گام‌های عملی، روشن و ساختاریافته توضیح داده می‌شود تا مراحل بعدی فرایند با انسجام، دقت و قابلیت اتکا دنبال شوند.

۱-۲ تعریف و ثبت فرایند ارزش‌گذاری

در فرایند ارزش‌گذاری، نقطه شروع یک ارزیابی دقیق و قابل‌اتکا، «تعریف چارچوب ارزش‌گذاری و مکتوب کردن» آن است. در این مرحله تعیین می‌شود که دقیقاً چه چیزی قرار است ارزش‌گذاری شود، منافع قانونی مربوط به آن چیست، گزارش برای چه منظوری تهیه می‌شود، تاریخ معتبر ارزش‌گذاری چه زمانی است، ارزیابی بر اساس چه استانداردی انجام می‌گیرد و آیا فرض بر تداوم فعالیت^۱ است یا توقف فعالیت^۲. علاوه بر این، ویژگی‌های

^۱. Going Concern Assumption.

^۲. Liquidation Assumption.

از جمله سهم مالکانه، میزان کنترل بر بازار و سطح بازار پذیری آن مال نیز باید مشخص شود. نوع گزارش مورد انتظار، حدود مسئولیت کارشناس، شرایط ویژه و محدودیت‌های موجود نیز باید از همان ابتدا به روشنی تعریف شوند. مشخصاً بخش عمده‌ای از خطاها، تأخیرها و سوء تفاهم‌ها زمانی شکل می‌گیرد که این اجزای کلیدی از ابتدا تبیین نشده باشند. به همین دلیل، تعریف دقیق چارچوب ارزش گذاری و مکتوب کردن آن، نه تنها چارچوب تحلیل را ترسیم می‌کند، بلکه انتخاب روش، گردآوری اطلاعات و ارائه‌ی یک نظر کارشناسانه‌ی مستدل را تسهیل می‌کند.

در عمل، ممکن است همه جزئیات تکلیف از ابتدا مشخص نباشد. در چنین وضعیتی، کارشناس باید آنچه را که تاکنون روشن شده است، ثبت نماید و موارد مبهم یا نیازمند توضیح را نیز به طور جداگانه فهرست کند. سپس در طول فرایند ثبت یادداشت‌های تکمیلی و ارسال نسخه‌های به روز شده برای مشتری یا وکیل، این موارد را اصلاح و تکمیل کند. این روش کمک می‌کند تا همه طرف‌های درگیر (کارشناس، مشتری، وکیل و مشاوران دیگر) برداشت مشترکی از دامنه کار داشته باشند و احتمال انحراف در تحلیل یا دستیابی به نتایج نادرست به حداقل برسد (Pratt et al : 2008 :30-34).

۲-۲ هدف^۱ و مقصود^۲ ارزش گذاری

هیچ‌یک از روش‌های ارزش گذاری را نمی‌توان صادق بر همه‌ی مصادیق اموال فکری و نتایج مورد انتظار دانست. نتایج مورد انتظار از ارزش گذاری، رابطه‌ای مستقیم با انتخاب روش ارزش گذاری دارد. قوانین، مقررات و رویه‌های قضایی در حوزه‌های مختلف نیز چارچوب‌های متفاوتی برای ارزش گذاری کسب و کارها و منافع تجاری ایجاد می‌کنند. در فرایند ارزش گذاری، حصول نتایج غیردقیق و غیرقابل استناد به دلیل عدم انتخاب روش متناسب با همین نتایج است. زمانی که غرض اصلی متقاضی نادیده گرفته می‌شود، مسلماً نتیجه‌ی حاصله نیز با نتایج مورد انتظار او هم‌خوانی نخواهد داشت (Reilly and P (Schweih, 2016: 45-48). نتایج مورد انتظار از ارزش گذاری، مشتمل بر هدف و مقصود

1.Objective.

2.Purpose.

تحلیل است. هدف به این معنا است که ارزش گذاری دقیقاً بر چه نوع مالی یا حقی انجام می شود، چه نوع ارزشی باید برآورد شود و این برآورد به چه تاریخی مربوط است. در کنار آن، مقصود تحلیل توضیح می دهد که نتیجه برای چه کسی، در چه تصمیمی و با چه میزان اتکا مورد استفاده قرار خواهد گرفت. روشن کردن مقصود، از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا روش ها، مفروضات و سطح دقت تحلیل بر مبنای نتیجه‌ی مورد انتظار انتخاب می شوند و نتیجه‌ای که برای یک مقصود طراحی شده است، الزاماً برای مقصود دیگر قابل استفاده نیست.

مقاصد ارزش گذاری، دامنه‌ای گسترده دارد؛ از جمله قیمت گذاری و ساختاردهی معاملات، اخذ یا ارائه تأمین مالی، وثیقه گذاری، برنامه ریزی و تطبیق مالیاتی، تصمیم سازی مدیریتی و راهبردی، حل و فصل اختلافات حقوقی، ارزیابی خسارت نقض، ورشکستگی، گزارشگری مالی و در نتیجه، پیش از آغاز تحلیل هدف و مقصود آن، می بایست به صورت شفاف و مکتوب تعیین شود تا روشی متناسب گزینش و نتیجه‌ای قابل اتکا حاصل شود (Reilly and P Schweih, 2004: 275-276).

۳-۲ عناصر ارزش

عناصر ارزش شامل پیش فرض ارزش گذاری^۱ و استاندارد ارزش^۲ است.

۳-۲-۱ پیش فرض ارزش گذاری

ارزش گذاری هر مال فکری، متضمن یک فرض اصلی است. این فرض ارتباط مستقیمی با کسب و کاری دارد که مال مورد ارزش گذاری قرار است در آن استفاده شود. به عبارت دیگر، نحوه استفاده سرمایه گذار از آن مال را مشخص می نماید. پیش فرض ارزش گذاری، تابعی از مقصود و هدف ارزش گذاری و مهم ترین عامل در انتخاب روش

^۱ Promise of Value.

^۲ Standard of Value.

ارزش گذاری است. حداکثر حالت مطلوب استفاده از کسب و کار یا بهیمنگی کسب و کار^۱، تعیین کننده پیش فرض ارزش گذاری خواهد بود. پیش فرض ارزش گذاری بر مبنای خواسته خریدار یا فروشنده تعیین نمی شود؛ بلکه بر اساس شرایط کسب و کار تعیین می شود. دو پیش فرض اصلی ارزش عبارتند از: فرض تداوم فعالیت (تداوم عملیات واحد تجاری برای یک دوره طولانی مدت و قدرت ایجاد منافع آتی) و فرض وقف فعالیت (عدم تداوم و انحلال فعالیت واحد تجاری). ارزش گذار ملزم به انتخاب پیش فرض ارزش گذاری است (Parr, 2018: 67-69).

۳-۲-۲ استاندارد ارزش^۲

مقدمات بنیادی ارزش گذاری را مشخص می کند. استاندارد ارزش، همان تعریف ارزش است. این استاندارد به پرسش «چه نوع ارزشی در حال برآورد شدن است؟» پاسخ می دهد. استانداردهای مختلف ارزش معمولاً این پرسش را مطرح می کنند: «ارزش برای چه کسی؟»؛ چون یک مال ممکن است برای طرفهای مختلف، ارزشهای متفاوتی داشته باشد (Reilly and P Schweih: 1998: 74). استاندارد ارزش، می تواند ارزش منصفانه بازار، ارزش سرمایه گذاری و ارزش هم افزایی باشد. ارزش منصفانه بازار^۳، مبلغی است که یک مال در معامله ای آزاد و غیر اجباری بین طرفهای مستقل و آگاه مبادله می شود. این مفهوم بر نبود فشار، اجبار یا شرایط غیرعادی برای طرفین تأکید دارد. نتیجه معامله نشان دهنده ارزشی است که خریدار و فروشنده ای مایل و مطلع به آن

^۱. High and Best Use.

تحلیل بهترین و بالاترین استفاده اموال ناملموس بر چهار معیار استوار است. استفاده پیشنهادی باید از نظر قوانین، مقررات و مجوزها مجاز باشد. همچنین باید با ویژگیهای فیزیکی، عملکردی و محدودیت های عملیاتی یا قراردادی مال ناملموس سازگار باشد. در ادامه، استفاده باید بازده اقتصادی مثبت ایجاد کند تا منطقی تلقی شود. در نهایت، از میان همه گزینه های مجاز و امکان پذیر، آن کاربردی انتخاب می شود که بیشترین ارزش اقتصادی خالص را پس از کسر هزینه های مرتبط برای مال ایجاد کند.

^۲. Standard of Value.

^۳. Fair Market Value.

می‌رسند (Zyla, 2020: 708). ارزش سرمایه‌گذاری^۱ یعنی ارزشی که یک مال یا پروژه برای یک سرمایه‌گذار خاص دارد. این ارزش بر اساس بازده مورد انتظار، میزان ریسک‌پذیری و اهداف سرمایه‌گذاری همان فرد یا سازمان تعیین می‌شود. ممکن است یک مال برای یک سرمایه‌گذار خاص بسیار ارزشمند باشد، حتی اگر در بازار چنین ارزشی نداشته باشد (American Society of Appraisers, 2021: 17). ارزش هم‌افزایی^۲ به ارزش افزوده‌ای اشاره دارد که فقط در صورت ترکیب یک مال با مال یا فعالیت‌های دیگر ایجاد می‌شود و به‌طور مستقل قابل تحقق نیست. برای نمونه یک اختراع ثبت‌شده زمانی ارزش هم‌افزایی ایجاد می‌کند که در کنار توان تولید یا شبکه توزیع یک بنگاه قرار گیرد و بازده حاصله، بیش از مجموع ارزش هر کدام به‌تنهایی باشد (American Society of Appraisers, 2022: 31).

۳-۳ توصیف^۳ مال مورد ارزش‌گذاری و مجموعه حقوق قانونی

در این مرحله، ماهیت و کارکرد مال موضوع ارزش‌گذاری تبیین می‌شود. توصیف باید به‌گونه‌ای باشد که مشخص گردد این مال، دقیقاً چیست، چه کارکرد و ویژگی‌هایی دارد، چگونه در فرایندهای کسب‌وکار نقش‌آفرینی می‌کند، کدام نیاز یا مشکل را پاسخ می‌دهد، چه جایگاهی در بازار می‌تواند ایجاد کند، تا چه حد قابلیت بهره‌برداری و انتقال دارد و در نهایت چرا باید ارزش‌گذاری شود (Daum, 2003: 262-262).

از منظر حقوق قانونی^۴ نیز، توصیف مال فکری مستلزم تشریح دامنه حمایت قانونی، حدود و ثغور حق ایجادشده، میزان قابلیت استناد آن در برابر اشخاص ثالث و میزان امکان اعمال و دفاع از حق است. این عناصر حقوقی تعیین می‌کنند که آن مال تا چه اندازه توان ایجاد حق انحصاری برای صاحب حق را دارا است. انواع رایج حقوق تعلق گرفته به اموال

^۱.Investment Value.

^۲.Synergistic Value.

^۳.Description.

^۴.Bundle of Rights.

فکری شامل مالکیت مطلق^۱، مالکیت مبتنی بر طول عمر^۲، مالکیت زمانی^۳، حقوق واگذارکننده^۴، حقوق دریافت‌کننده مجوز^۵، حقوق زیر مجوز^۶، حقوق بازگشتی^۷، حقوق توسعه^۸، حقوق بهره‌برداری^۹ و سایر اشکال مالکیت جزئی شده^{۱۰} هست (Reilly P: 85-86, 2016) که تعریف دقیق این حقوق بر ارزش نهایی اثرگذار است و

^۱.Fee Simple Interest.

مالک دارای کلیه حقوق قانونی مرتبط با مال ناملموس است و مالکیت کامل بر آن دارد.

^۲.Life Estate.

مدت‌زمان مالکیت محدود به طول عمر مالک (شخص ثالثی) است.

^۳Term Estate.

مدت مالکیت برای یک بازه زمانی مشخص (مثلاً ده سال) تعیین شده و پس‌از آن، مال به مالک بعدی منتقل می‌شود.

^۴.Licensor/Franchisor Interests.

برخی از حقوق بهره‌برداری برای واگذارکننده حفظ می‌گردد و حقوق منتقل نشده به دارنده مجوز را شامل می‌شود.

^۵.Licensee/Franchisee Interests.

حقوق مشخصی در قالب قرارداد برای مدت، حوزه جغرافیایی یا نوع استفاده معین، به دریافت‌کننده اعطا می‌گردد.

^۶.Sublicensee/Subfranchisee Interests.

حقوقی که توسط دارنده مجوز به شخص ثالث منتقل شده است. این حقوق نمی‌تواند فراتر از حدود حقوق دارنده اصلی باشد.

^۷.Reversionary Interests.

حقوقی که پس از پایان مدت قرارداد، بهره‌برداری یا استفاده از مال، دوباره به مالک اصلی بازمی‌گردد.

^۸.Development Rights

اجازه توسعه و تجاری‌سازی مال ناملموس برای بهره‌برداری به‌طرف قرارداد داده می‌شود.

^۹.Exploitation Rights.

اجازه هرگونه بهره‌برداری و استفاده اقتصادی از مال فکری.

^{۱۰}.Fractional Ownership.

از آنجایی که اموال فکری، عموماً نظام توصیف تثبیت شده‌ای ندارد، لذا بار این مهم، بر عهده ارزش‌گذار است که از طریق مقتضی می‌بایست در جهت ارائه توصیفی جامع و مانع، اقدام نماید.

۴-۳ تاریخ ارزش‌گذاری^۱

ارزش مال فکری باید در یک تاریخ مشخص سنجیده و گزارش شود؛ چون ارزش اموال ثابت نیست و با تغییر شرایط اقتصادی، بازار، مقررات یا وضعیت خود مال، دگرگون می‌شود. به همین دلیل، نتیجه هر ارزش‌گذاری فقط تا همان تاریخ تعیین شده اعتبار دارد و قابل تعمیم به زمان‌های دیگر نیست. تاریخ ارزش‌گذاری می‌تواند سه شکل داشته باشد:

۱. تاریخ گذشته: زمانی قبل از انجام تحلیل، مثل روز قبل از وقوع خسارت؛

۲. تاریخ جاری: همان زمانی که تحلیل انجام می‌شود و اطلاعات در دسترس است؛

۳. تاریخ آینده: تاریخی که هنوز نرسیده و برآورد ارزش برای آن صرفاً یک تصویر فرضی از شرایط آینده است. انتخاب تاریخ مناسب ارزش‌گذاری کاملاً به هدف تحلیل وابسته است. ارزش‌گذاری مالیاتی، تاریخ خاص خود را دارد، انتقال مال، تاریخی دیگر و ادغام شرکت‌ها، تاریخی متفاوت. در بسیاری از موارد، قوانین تاریخ ارزش‌گذاری را مشخص می‌کنند؛ مثل تاریخ فوت مالک، تاریخ انتقال حقوق، تاریخ عقد ازدواج یا روز نهایی ادغام. در سایر موارد، تحلیل‌گر و کارفرما توافق می‌کنند که کدام تاریخ برای تصمیم‌گیری و نیاز اطلاعاتی مرتبط‌تر است (Reilly P Schweih, 2016: 86-87).

۳. انواع اصول ارزش‌گذاری اموال فکری و تحلیل آن‌ها

آیین‌نامه باهدف ایجاد نظم و انسجام در فرایند ارزش‌گذاری، در ماده ۴ خود^۲ مجموعه‌ای از اصول بنیادین را مقرر کرده است که رعایت آن‌ها برای تمامی ارزش‌گذاران

^۱. Valuation Date.

^۲. ماده ۴ - اصول و روش‌های ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود به شرح زیر است:

الزامی است. این اصول شامل محرمانگی، شفافیت، بی طرفی و اجتناب از تعارض منافع، اتکا به مطالعات بازار داخلی و بین المللی، تحلیل همزمان مالی، اقتصادی، تجاری و فناورانه، انطباق با مقررات حسابداری الزام آور و انطباق با قوانین است. همچنین تبصره این ماده، رعایت الزامات و انجام اقدامات قانونی حمایت از مال فکری توسط قانون گذار را پیش شرط ارزش گذاری رسمی دانسته است. این مجموعه اصول در واقع چارچوبی است که فرایند ارزش گذاری را از سطح یک محاسبه اقتصادی صرف فراتر برده و آن را در بستر حقوقی و نهادی کشور جای می دهد تا نتایج حاصل، قابلیت استناد و پذیرش در مراجع قضایی، اداری و مالیاتی و ... را داشته باشند. در ادامه به تحلیل اصول مذکور و تطبیق آن اصول با مقررات داخلی و استانداردهای بین المللی پرداخته می شود.

۱-۳ اصل محرمانگی

اصل محرمانگی به عنوان نخستین اصل در آیین نامه، جایگاه ویژه ای دارد و تضمین می کند که تمامی اطلاعات، اسناد و داده هایی که در جریان ارزیابی اموال فکری به دست کارشناس یا نهادهای مرتبط می رسد صرفاً در چارچوب هدف قانونی و موضوع ارزش گذاری مورد استفاده قرار گیرد. محرمانگی در این معنا، فراتر از عدم انتشار عمومی

الف - ارزش گذاری باید با رعایت اصول محرمانگی، شفافیت، بی طرفی و اجتناب از تعارض منافع و بر اساس مطالعات بازار داخلی و بین المللی، تحلیل مالی، تجاری و اقتصادی و ارزیابی ابعاد فناورانه و محاسبه ریسک (خطر) های مربوط باشد و کیفیت و کمیت داده ها و اطلاعات، منبع، مستندات، هدف ارزش گذاری و روش های استفاده شده به طور مستند تشریح شود.

ب - ارزش گذاری دارایی های نامشهود نباید با استانداردهای حسابداری الزام آور مغایر باشد و باید متناسب با نوع، ماهیت و هدف تعیین شده برای ارزش گذاری، بر اساس یک یا ترکیبی از روش های علمی و معتبر ارزش گذاری از جمله هزینه محور، بازار محور و درآمد محور انجام شود.

پ - کلیه مصادیق مالکیت فکری از قبیل اختراع، طرح صنعتی، نام و علامت تجاری و آثار ادبی و هنری منوط به این که استفاده از آنها خلاف عرف و مقررات عمومی نباشد، قابل ارزش گذاری است ولی ارزش گذار موظف است در ارزیابی خود تطابق با قوانین جمهوری اسلامی ایران را لحاظ نماید

است و شامل محدودسازی دسترسی، کنترل جریان اطلاعات، منع استفاده شخصی یا تجاری و حتی پرهیز از اشاره غیرمستقیم در پرونده‌های مشابه نیز می‌شود. این امر نه تنها حقوق مالک مال فکری را محافظت می‌کند، بلکه پایه‌ای برای اعتماد میان ذی‌نفعان و کارشناسان محسوب می‌گردد.^۱

۱-۳-۱ تحلیل و تطبیق اصل محرمانگی

ماده ۴ آیین‌نامه بر رعایت این اصل تأکید کرده است و کارشناس و سایر افراد ذی‌ربط را مکلف به حفظ اسرار می‌داند. درواقع، تعهد به محرمانگی می‌تواند ذیل تعهد به رازداری، مسئولیت قراردادی، مسئولیت حرفه‌ای و حتی مسئولیت مدنی یا کیفری قرار گیرد. بسیاری از اطلاعات ارائه‌شده برای ارزش‌گذاری شامل داده‌های فنی، مالی و تجاری حساس است که افشای آن می‌تواند رقابت‌پذیری دارنده مال را تهدید یا زمینه سوءاستفاده رقبا را فراهم کند. به همین دلیل رعایت محرمانگی، شرط اصلی اعتماد مالکان به فرایند ارزش‌گذاری است.

در حقوق ایران، تعهد به حفظ اسرار یک تکلیف قانونی و حرفه‌ای است. ماده ۶۴۸ ق.م.ا (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) افشای اسرار افراد توسط صاحبان مشاغل و حرف را جرم دانسته و برای آن مجازات مقرر کرده است. ازاین‌رو، افشای اطلاعات در جریان ارزش‌گذاری نه تنها نقض تعهد و متضمن مسئولیت قراردادی است، بلکه در صورت احراز سوء نیت، می‌تواند عنوان مجرمانه نیز داشته باشد.

پشتوانه‌ی این اصل از باب مسئولیت مدنی نیز، روشن است. در صورتی که افشای اطلاعات، موجب ورود زیان به مالک مال فکری شود، فرد افشا کننده مسئول جبران

۱. ماده ۴ آیین‌نامه‌ی ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود در طرح‌های سرمایه‌گذاری.

خسارت است. این موضوع در قانون مسئولیت مدنی^۱ ریشه دارد و امکان مطالبه خسارت از سوی متضرر را فراهم می‌آورد. بدین ترتیب، محرمانگی نه تنها یک الزام اخلاقی یا حرفه‌ای، بلکه یک قاعده الزام‌آور با ضمانت اجرای حقوقی و کیفری است. دستورالعمل‌های OECD بر اهمیت محرمانگی در مراحل اولیه مذاکرات تأکید کرده‌اند و آن را شرط اعتماد و زمینه‌ساز مذاکرات جدی و قراردادهای پایدار می‌دانند (Shigeki et al, 2006: 34). در قراردادهای تجاری بین‌المللی نیز معمولاً بندهایی تحت عنوان توافق‌نامه عدم افشا^۲ درج می‌شود که دقیقاً در راستای رعایت این اصل عمل می‌کند. در کشورهایی مانند آلمان، نقض تعهد به حفظ محرمانگی می‌تواند مبنای الزام به جبران خسارت قرار گیرد؛ از جمله در مواد ۴، ۶، ۷ و ۸ قانون حمایت از اسرار تجاری آلمان،^۳ هرگونه دسترسی،

۱. ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی: هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.

۲. Non-Disclosure Agreement.

۳. ماده ۴: ممنوعیت‌های رفتاری

(۱) کسب یک اسرار تجاری ممنوع است اگر از طریق موارد زیر انجام شود:

۱. دسترسی غیرمجاز، تملک غیرمجاز یا نسخه‌برداری غیرمجاز از اسناد، اشیاء، مواد، ترکیبات یا پرونده‌های الکترونیکی که تحت کنترل قانونی صاحب اسرار تجاری هستند و اسرار تجاری را در خود دارند یا می‌توان اسرار تجاری را از آن‌ها استخراج کرد، یا

۲. هر رفتار دیگری که با توجه به شرایط موجود، با اصل حسن نیت و رعایت عرف صحیح بازار سازگار نباشد.

(۲) کسی که اسرار تجاری را از طریق یکی از اعمال زیر به دست آورده باشد، نباید آن را استفاده یا افشا کند:

۱. به واسطه یکی از رفتارهای زیر مطابق بند ۱

(a) شماره ۱، یا

(b) شماره ۲،

۲. از طریق نقض تعهد مربوط به محدودیت استفاده از اسرار تجاری، یا

۳. از طریق نقض تعهد مربوط به عدم افشای اسرار تجاری.

(۳) کسی که اسرار تجاری را از شخص دیگری دریافت کرده باشد و در زمان دریافت، استفاده یا افشا بداند یا باید بداند که آن شخص اسرار تجاری را برخلاف بند ۲ استفاده یا افشا کرده است، نباید اسرار تجاری را به دست آورد، استفاده کند یا افشا نماید. این امر به‌ویژه زمانی صدق می‌کند که استفاده از اسرار تجاری در تولید، عرضه، عرضه در بازار، واردات، صادرات یا نگهداری برای این مقاصد شامل محصولات نقض‌کننده حقوق باشد.

ماده‌ی ۶: رفع و منع

دارنده اسرار تجاری می‌تواند از متخلف بخواهد که مزاحمت یا نقض ایجادشده را برطرف کند و در صورت خطر تکرار، از ادامه آن خودداری نماید. حق مطالبه منع، حتی زمانی وجود دارد که نقض برای نخستین بار در شرف وقوع باشد.

ماده‌ی ۷: نابودی؛ تحویل؛ فراخوان؛ حذف و جمع‌آوری از بازار

دارنده اسرار تجاری می‌تواند از متخلف مطالبه کند:

۱. نابودی یا تحویل اسناد، اشیاء، مواد، ترکیبات یا پرونده‌های الکترونیکی‌ای که در مالکیت یا تصرف متخلف هستند و اسرار تجاری را در خود دارند یا آن را مجسم می‌کنند،

۲. فراخوان محصول ناقض حقوق،

۳. حذف دائمی محصولات ناقض حقوق از مسیرهای توزیع،

۴. نابودی محصولات ناقض حقوق، یا

۵. جمع‌آوری محصولات ناقض حقوق از بازار، مشروط بر اینکه حفاظت از اسرار تجاری از این طریق تضعیف نشود.

ماده‌ی ۸ اطلاعات درباره محصولات ناقض حقوق؛ جبران خسارت در صورت نقض وظیفه ارائه اطلاعات

(۱) دارنده اسرار تجاری می‌تواند از متخلف اطلاعات زیر را مطالبه کند:

۱. نام و نشانی تولیدکنندگان، تأمین‌کنندگان و سایر مالکان قبلی محصولات ناقض حقوق، همچنین خریداران تجاری و محل‌های فروش که محصولات برای آن‌ها در نظر گرفته شده بودند،

۲. میزان محصولات ناقض حقوق که تولید، سفارش، تحویل یا دریافت شده‌اند، همراه باقیمت‌های خرید،

۳. اسناد، اشیاء، مواد، ترکیبات یا پرونده‌های الکترونیکی‌ای که در مالکیت یا تصرف متخلف هستند و اسرار تجاری را در خود دارند یا آن را مجسم می‌کنند،

استفاده یا افشای غیرمجاز اسرار تجاری ممنوع است. در صورت نقض، دارنده سر تجاری حق دارد توقف استفاده، نابودی یا بازگرداندن محصولات ناقض، جبران خسارت یا واگذاری منافع حاصل از نقض را مطالبه کند. همچنین دادگاه می تواند، مشروط بر رعایت اصل تناسب، انتشار عمومی حکم را تجویز نماید.

۲-۳ اصل شفافیت

اصل شفافیت به معنای آن است که تمامی مراحل، داده ها، مفروضات و نتایج فرایند ارزش گذاری باید روشن، مستند و قابل پیگیری باشند. ارزش گذاری اموال فکری نباید در فضایی مبهم یا صرفاً بر پایه برداشت های شخصی انجام شود؛ بلکه باید به گونه ای تنظیم شود که ناظران و ذی نفعان بتوانند دریابند چه اطلاعاتی استفاده شده، چگونه تحلیل صورت گرفته و بر چه اساسی نتیجه نهایی ارائه شده است. این اصل، در کنار اصل محرمانگی، تعادل لازم میان دسترسی ذی نفعان به اطلاعات قابل بررسی و جلوگیری از افشای داده های حساس را برقرار می کند و زمینه اعتماد و پذیرش نتایج را فراهم می سازد.^۱

۲-۳-۱ تحلیل و تطبیق اصل شفافیت

شفافیت، ارتباط مستقیم با اصل پاسخ گویی دارد و کارشناسی که ارزش گذاری را انجام می دهد، باید بتواند در برابر مرجع قضایی یا اداری از تحلیل خود دفاع کند. گزارش فاقد وضوح و مستندات معتبر، نه تنها اعتبار حقوقی خود را از دست می دهد، بلکه می تواند موجب ارجاع پرونده به ارزیابی مجدد شود. علاوه بر این، شفافیت با اصل تناظر در دادرسی مرتبط است؛ زیرا طرفین دعوی باید بتوانند منطق محاسبه ارزش را درک کرده و

۴. شخص یا اشخاصی که متخلف از آن ها اسرار تجاری را به دست آورده یا برای آن ها افشا کرده است.

(۲) اگر متخلف عمداً یا بر اثر بی احتیاطی شدید اطلاعات را ارائه نکند، یا دیر هنگام، نادرست یا ناقص ارائه دهد، موظف است خسارتی را که از این بابت به دارنده اسرار تجاری وارد می شود جبران کند.

۱. ماده ۴ آیین نامه ی ارزش گذاری دارایی های نامشهود در طرح های سرمایه گذاری.

در صورت لزوم به آن اعتراض کنند. در غیر این صورت، عدالت دادرسی خدشه‌دار خواهد شد و نتایج کارشناسی قابلیت استناد نخواهند داشت.

مواد ۲۶۰ تا ۲۶۵ ق.آ.د.م. و مواد ۱۶۱ و ۱۶۲ ق.آ.د.ک. کارشناسان را موظف کرده‌اند که نظرات خود را مستدل و روشن ارائه دهند. همچنین ماده ۱۹ قانون کارشناسان رسمی دادگستری الزام می‌کند نظریه کارشناسی با ذکر دلایل و مستندات باشد. قوانین دیگری همچون قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات و قانون ارتقای سلامت نظام اداری نیز بر شفافیت به‌عنوان ابزاری برای مقابله با فساد و تضمین عدالت رقابتی تأکید دارند.

فصل سوم قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸ با عنوان ترویج شفافیت، با تأکید بر حق دسترسی برابر شهروندان به اطلاعات دستگاه‌های عمومی، شفافیت را به‌عنوان یک اصل بنیادین در حکمرانی و فعالیت‌های اقتصادی و اداری تثبیت کرده است. همچنین به‌موجب بند الف ماده ۸ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد^۱ نیز، بر لزوم شفاف‌سازی اطلاعات تأکید ورزیده شده است.

در دستورالعمل‌های OECD، شفافیت در فرایند ثبت اختراع و ارزش‌گذاری آن به‌طور جدی مورد توجه است و گزارش‌های مبهم یا ناقص می‌توانند کل اعتبار اقتصادی و حقوقی اختراع را زیر سؤال ببرند (op.cit:30) همچنین در استاندارد ISO 10668 مربوط به ارزش‌گذاری برند، الزام شده است که داده‌ها، مفروضات و ریسک‌ها به‌صورت کامل بیان شوند و تحلیل حساسیت ارائه گردد تا مشخص شود تغییر عوامل کلیدی چه اثری بر ارزش

۱. ماده ۸ - به‌منظور پیشگیری از شکل‌گیری فساد، تکالیف ذیل حسب مورد بر عهده معاونت‌های برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی و توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور است: الف - به تدوین سیاست‌ها و راهکارهای شفاف‌سازی اطلاعات و استقرار و تقویت نظام‌های اطلاعاتی و استانداردسازی امور و مستند نمودن فعالیت‌های دستگاه‌های اجرائی برای ثبت و ضبط شفاف و جامع کلیه عملیات، اطلاع‌رسانی لازم به عموم مردم و همچنین تأمین نیازهای اطلاعاتی دستگاه‌های نظارتی و اطلاعاتی کشور اقدام نماید.

نهایی دارد (2: 2023, ISO (2010)). بدین ترتیب، تجربه جهانی نیز تأکید می‌کند که بدون شفافیت، هیچ گزارش ارزش گذاری قابل اتکا و قابل پذیرش نخواهد بود.

۳-۳ اصل بی‌طرفی و اجتناب از تعارض منافع

اصل بی‌طرفی و اجتناب از تعارض منافع بر این نکته استوار است که کارشناس یا نهاد ارزش‌گذار باید بدون هرگونه سوگیری یا جانب‌داری عمل کند و منافع شخصی، مالی یا شغلی او نباید با وظیفه ارزیابی در تضاد قرار گیرد. در ارزش‌گذاری اموال فکری که ماهیت آن‌ها بیش‌تر به تحلیل و قضاوت وابسته است تا محاسبات عینی، رعایت این اصل اهمیت بیش‌تری دارد؛ زیرا هرگونه وابستگی یا ارتباط می‌تواند نتیجه را تحت تأثیر قرار دهد و اعتماد ذی‌نفعان را از بین ببرد.

۳-۳-۱ تحلیل و تطبیق اصل بی‌طرفی و اجتناب از تعارض منافع

در آیین‌نامه فوق‌الذکر، به‌صراحت بر لزوم بی‌طرفی و پرهیز از تعارض منافع تأکید شده است. بی‌طرفی شرط اعتبار هر گزارش کارشناسی است و نقض آن می‌تواند کل فرایند را بی‌اعتبار سازد. در قوانین ایران نیز این اصل بازتاب گسترده‌ای دارد؛ برای نمونه، ماده ۱۷ قانون کارشناسان رسمی دادگستری، کارشناس را هنگام سوگند متعهد می‌کند که اغراض شخصی را دخالت ندهد و در صورت وجود جهات رد از پذیرش کارشناسی خودداری کند. همچنین مواد ۹۱ و ۲۶۵ ق.آ.د.م. و مواد ۱۶۲ و ۱۶۴ ق.آ.د.ک. دادگاه را مجاز می‌دانند در صورت شائبه جانب‌داری، گزارش کارشناسی را نپذیرد. حتی قانون مدنی نیز در ماده ۹۷۵ با منع اجرای مقررات خلاف عدالت و اخلاق حسنه، پشتوانه‌ای عام برای این اصل فراهم کرده است. در قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد (ماده ۳) و منشور اخلاق حرفه‌ای کارگزاران نظام (ماده ۷)، نیز چارچوبی نهادی برای پیشگیری از تعارض منافع و تضمین شفافیت ایجاد شده است.

در استاندارد ISO 10668، استقلال و بی‌طرفی ارزش‌گذار از شرایط ضروری اعتبار گزارش دانسته شده و بر این نکته تصریح شده است که کارشناس باید در همه مراحل کار،

از گردآوری داده‌ها تا اعلام نتیجه، استقلال فکری و حرفه‌ای خود را حفظ کند (ISO (2010,2023:11).

۴-۳ اصل اتکا به مطالعات بازار داخلی و بین‌المللی

اصل اتکا به مطالعات بازار داخلی و بین‌المللی بیان می‌کند که ارزش‌گذاری اموال فکری نباید صرفاً بر پایه تحلیل‌های نظری یا برآوردهای ذهنی انجام شود؛ بلکه باید بر داده‌ها و شواهد واقعی بازار متکی باشد. این داده‌ها شامل قیمت‌های روز، روند عرضه و تقاضا، رفتار مصرف‌کنندگان، تحولات رقابتی و اطلاعات اقتصادی است که هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی گردآوری می‌شود. اهمیت این اصل به‌ویژه در اموال فکری چشم‌گیر است، زیرا ارزش آن‌ها بیش‌تر به آینده، جایگاه رقابتی و قابلیت تجاری‌سازی وابسته است و بی‌توجهی به شرایط واقعی بازار می‌تواند موجب برآوردهای غیرواقعی و غیرقابل استناد شود.

۴-۳-۱ تحلیل و تطبیق اصل اتکا به مطالعات بازار داخلی و بین‌المللی

ماده ۴ آیین‌نامه، صراحتاً این اصل را مطرح کرده و بر ضرورت اتکای تحلیل بر شرایط واقعی بازار، تأکید نموده است. رعایت این اصل، شرط صداقت و واقع‌گرایی در گزارش کارشناسی است و تخطی از آن می‌تواند اعتبار گزارش را نزد دادگاه‌ها، مراجع مالیاتی و نهادهای اجرایی مخدوش سازد. همچنین این اصل با شفافیت و پاسخ‌گویی کارشناسان ارتباط مستقیم دارد؛ چراکه ارزیاب موظف است نشان دهد داده‌های بازار را از چه منابعی به دست آورده و چگونه آن‌ها را در تحلیل خود به کار بسته است.

در مقایسه تطبیقی، استاندارد بین‌المللی IVS 210 به‌روشنی تصریح می‌کند که ارزش‌گذاری باید بر داده‌های واقعی بازار متکی باشد و تحلیل بازار در هر دو سطح ملی و بین‌المللی انجام گیرد. این امر به‌ویژه در مورد اموالی مانند علائم تجاری و فناوری‌ها ضروری است که ذاتاً در محیطی فراملی و رقابتی فعالیت می‌کنند (International Valuation Standards Council, 2016:12-16). محدود کردن تحلیل به بازار داخلی می‌تواند برآوردی ناقص ایجاد کند، درحالی‌که استفاده از داده‌های بین‌المللی تضمین می‌کند که ارزش‌گذاری با واقعیت‌های اقتصادی هم‌خوانی داشته باشد. بدین ترتیب، اصل اتکا به

مطالعات بازار یکی از ستون‌های اصلی اعتبار اقتصادی و حقوقی در فرایند ارزش گذاری اموال فکری محسوب می‌شود.

۵-۳ اصل تحلیل مالی- اقتصادی- تجاری- فناورانه (تحلیل چهارگانه)

اصل تحلیل مالی، اقتصادی، تجاری و فناورانه بر این نکته استوار است که ارزش گذاری اموال فکری فرایندی چندبعدی است و نمی‌توان آن را تنها بر پایه یک شاخص یا روش انجام داد. یک گزارش معتبر باید بتواند هم‌زمان ابعاد مالی مانند سود، هزینه و جریان نقدی، ابعاد اقتصادی همچون شرایط کلان و پایداری بازار، ابعاد تجاری نظیر جایگاه و قدرت رقابت و درنهایت ابعاد فناورانه شامل سطح نوآوری و چرخه عمر مال فکری را پوشش دهد. امری که در ماده ۴ مورد تأکید واقع شده است.

۵-۳-۱ تحلیل و تطبیق اصل تحلیل مالی- اقتصادی- تجاری- فناورانه (تحلیل چهارگانه)

در نظام حقوقی ایران، ماده ۴۴ قانون حمایت از مالکیت صنعتی و ماده ۷۶ لایحه اصلاح قانون تجارت^۱ این اصل را تقویت می‌کنند. قانون‌گذار تصریح کرده است که ارزش گذاری صرفاً یک عدد ظاهری نیست؛ بلکه باید بر تحلیل کارشناسی و مستند استوار باشد تا مشروعیت بهره‌برداری اجباری از اختراع یا آورده‌های غیر نقدی شرکت‌ها تضمین شود. این مواد، بیان‌گر آن هستند که مبلغ مناسب یا ارزش واقعی تنها زمانی معتبر است که به پشتوانه تحلیل مالی، اقتصادی، تجاری و فناورانه تعیین شده باشد.

در مقایسه تطبیقی نیز استاندارد بین‌المللی IVS 210 بر همین رویکرد تأکید دارد. این استاندارد می‌گوید انتخاب روش ارزش گذاری باید بر پایه رویکردهای درآمدی، بازاری یا

۱. ماده ۷۶ لایحه اصلاح قانون تجارت: هرگاه یک یا چند نفر از مؤسسين آورده غير نقد داشته باشند مؤسسين بايد قبل از اقدام به دعوت مجمع عمومي مؤسس نظر کتبي کارشناس رسمي وزارت دادگستري را در مورد ارزيابي آورده‌های غير نقد جلب و آن را جزء گزارش اقدامات خود در اختيار مجمع عمومي مؤسس بگذارند. در صورتی که مؤسسين برای خود مزایایی مطالبه کرده باشند باید توجیه آن به‌ضمیمه گزارش مزبور به مجمع مؤسس تقدیم شود.

هزینه‌ای صورت گیرد، اما در هر حالت، تحلیل جامع چهارگانه باید لحاظ شود. بررسی جریان‌های نقدی و نرخ تنزیل، سنجش شرایط رقابت و بازار، تحلیل قراردادهای مجوزی و چرخه عمر فناوریانه همگی بخشی از این چارچوب هستند.

۳-۶ اصل انطباق با مقررات حسابداری الزام‌آور

اصل انطباق با مقررات حسابداری الزام‌آور بر این نکته تأکید دارد که ارزش‌گذاری اموال فکری نه تنها باید از منظر تحلیلی و عددی معتبر باشد، بلکه در قالب و محتوای خود با استانداردهای حسابداری رسمی کشور هماهنگ گردد. به این ترتیب، گزارش ارزش‌گذاری تنها زمانی قابلیت استفاده در نظام مالی، مالیاتی و قضایی را خواهد داشت که با اصول پذیرفته‌شده حسابداری و حسابرسی، هم‌راستا باشد و بتواند به درستی در دفاتر قانونی، صورت‌های مالی و اظهارنامه‌های رسمی درج شود. توضیح اینکه حسابداری فرایند انجام عملیات مالی و حسابرسی بررسی صحت انجام آن عملیات است. یکی مجری و دیگری ناظر است. اما مقررات و الزامات مرتبط با آن‌ها واحد است.

۱-۳-۶ تحلیل و تطبیق اصل انطباق با مقررات حسابداری الزام‌آور

ماده ۴ کارشناسان را مکلف کرده است تا در تمام مراحل ارزیابی، الزامات حسابداری را رعایت کنند. این الزام مانع از تضاد با قوانین مالیاتی می‌شود، امکان پذیرش گزارش در حسابرسی و گزارشگری مالی را فراهم می‌کند و همچنین اعتبار حقوقی و قضایی آن را تضمین می‌نماید. بی‌توجهی به این اصل می‌تواند باعث رد گزارش در مراجع رسمی، جریمه‌های مالیاتی و حتی بی‌اعتباری نتایج کارشناسی در دعوی شود.

قانون تجارت، قانون مالیات‌های مستقیم و مقررات سازمان حسابرسی و بورس همگی بر تنظیم و ارائه صورت‌های مالی مطابق اصول پذیرفته‌شده حسابداری تأکید دارند. تخطی از این مقررات، آثار مالی و حقوقی جدی مانند رد دفاتر مالی یا اعمال جریمه به همراه دارد. افزون بر آن، آیین‌نامه کارشناسان رسمی دادگستری نیز کارشناس را مکلف کرده است در ارزیابی‌های خود به مقررات فنی و قانونی پایبند باشد.

در مقایسه تطبیقی، استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری و گزارشگری مالی (IFRS و IVS) تصریح می‌کنند که گزارش ارزش‌گذاری باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که قابلیت بررسی و تأیید توسط حساب‌برسان را داشته باشد. تمامی مراحل از انتخاب مبنای ارزش‌گذاری، روش و داده‌های مورد استفاده تا نحوه ورود نتایج در صورت‌های مالی باید مستند و شفاف باشد. همچنین آثار مالیاتی و قراردادی ناشی از ارزش‌گذاری باید در گزارش لحاظ گردد تا در فرایند حساب‌برسی و رسیدگی مالیاتی نیز قابل استناد باقی بماند.

۷-۳ اصل انطباق با قوانین

اصل انطباق با قوانین به‌عنوان آخرین اصل مقرر در آیین‌نامه، تأکید می‌کند که فرایند و نتایج ارزش‌گذاری باید کاملاً با قوانین جاری کشور هماهنگ باشد. بر اساس این اصل، گزارش کارشناسی نمی‌تواند حاوی هیچ تحلیلی باشد که با نظام حقوقی ایران مغایرت داشته باشد؛ چه در زمینه مالکیت و ثبت مال فکری، چه در حوزه قراردادهای مالیات یا انتقال آن‌ها. اهمیت این اصل در آن است که اعتبار و قابلیت اجرایی گزارش ارزش‌گذاری را در سطح ملی تضمین می‌کند.

۷-۳-۱ تحلیل و تطبیق اصل انطباق با قوانین

این الزام مقرر در ماده ۴ آیین‌نامه، چند پیامد اساسی دارد: نخست، تنها اموالی قابل ارزش‌گذاری هستند که در چارچوب قوانین کشور ثبت و حقوق مالکیت آن‌ها به رسمیت شناخته شده باشد. دوم، گزارش‌های فاقد انطباق با قوانین، در مراجع رسمی بی‌اعتبار خواهند بود. سوم، انطباق با قانون موجب می‌شود گزارش ارزش‌گذاری قابلیت استناد و اجرا در دادگاه‌ها، ادارات مالیاتی و سایر نهادهای رسمی را داشته باشد. چهارم، کارشناس در صورت تخطی از قوانین، مسئولیت حرفه‌ای، مدنی یا حتی کیفری خواهد داشت.

ماده ۱۰ ق.م. قراردادهای مخالف قانون را بی‌اعتبار می‌داند و ماده ۹۷۵ اجرای مقررات خلاف نظم عمومی یا اخلاق حسنه را منع می‌کند. در قانون تجارت نیز عملیات ثبتی و مالی شرکت‌ها مشروط به رعایت قوانین جاری است. قوانین مالیاتی و آیین‌نامه‌های حسابداری نیز گزارش‌هایی را معتبر می‌شناسند که مطابق مقررات رسمی باشند.

در سایر کشورها نیز، یکی از مهم‌ترین معیارهای اعتبار یک گزارش ارزش‌گذاری، انطباق کامل آن با قوانین داخلی کشور مربوطه است. برای نمونه در ایالات متحده، گزارش‌های ارزیابی باید مطابق مقررات IRS سازمان مالیات فدرال و نیز قوانین مالکیت فکری ثبت‌شده در USPTO تنظیم‌شده باشند؛ در غیر این صورت، برای مقاصد مالیاتی یا حقوقی غیرقابل‌پذیرش خواهند بود. در بریتانیا، ارزش‌گذاری اموال نامشهود باید با قانون مالکیت فکری ۲۰۱۴، مقررات مالیاتی HMRC و استانداردهای مالی بین‌المللی هماهنگ باشد. در آلمان، هماهنگی با قوانین مدنی^۱، قوانین تجاری^۲ و قانون ثبت اختراعات^۳ الزامی است و تخطی از این هماهنگی، موجب رد رسمی گزارش توسط مراجع دولتی می‌شود. همچنین، در اسناد بین‌المللی مانند استانداردهای بین‌المللی ارزیابی (IVS) و ISO 10668، بر لزوم «مطابقت با الزامات حقوقی کشور میزبان» تأکید شده است. حتی در قراردادهای بین‌المللی نیز، بندهایی تحت عنوان «مطابقت قانونی»^۴ گنجانده می‌شود که به‌صراحت می‌گویند کلیه اقدامات، از جمله ارزیابی اموال، باید با قوانین محلی هماهنگ باشد.

۸-۳ پیوند ارزش‌گذاری رسمی با رعایت الزامات و انجام اقدامات قانونی جهت حمایت قانون‌گذار از اموال فکری

تبصره ماده ۴ آیین‌نامه، نقطه عطفی در تعیین حدود مشروعیت و اعتبار فرایند ارزش‌گذاری است. مطابق این تبصره، تنها مال فکری‌ای می‌تواند موضوع ارزش‌گذاری رسمی قرار گیرد که هم واجد شرایط لازم برای اطلاق عنوان مال فکری بر آن باشد و هم، الزامات قانونی حمایت، رعایت شود. به‌عنوان مثال در خصوص آثار، ایده‌ای به‌عنوان اثر،

^۱. Bürgerliches Gesetzbuch (BGB).

^۲. Handelsgesetzbuch (HGB).

^۳. Patentgesetz (PatG).

^۴. Legal Compliance.

مورد حمایت قانون گذار است که هم اصیل باشد و هم در قالبی مشخص، بیان شود^۱. از سوی دیگر آن اثر زمانی از حمایت قانون گذار برخوردار است که برای اولین بار در ایران به بهره برداری رسیده باشد^۲. این الزامات در خصوص تمامی مصادیق اموال فکری می بایست، رعایت شود.

اهمیت این تبصره از چند بعد، قابل بررسی است. نخست، تفکیک روشن میان اموال فکری صرفاً ادعاشده و اموال فکری واجد حمایت قانونی است؛ به بیان دیگر، ایده ای که فاقد شرایط سه گانه جهت تلقی به عنوان اختراع است یا علامت تجاری که الزامات ثبتی مرتبط با آن رعایت نشده است یا سر تجاری که الزامات محافظتی لازم در خصوص آن رعایت نگردیده است؛ از منظر حقوقی قابل ارزش گذاری رسمی نیستند. دوم، این قاعده نقش حفاظتی برای نهادهای ارزش گذار ایفا می کند و مانع از آن می شود که کارشناسان درگیر دعاوی مربوط به اختلافات مالکیت یا نقض حقوق اشخاص ثالث گردند. سوم، این محدودیت مانع ارزش گذاری های صوری یا مالکیت های صوری می گیرد و از سوء استفاده احتمالی در معاملات پیشگیری می کند. در مجموع، تبصره ماده ۴ تضمین می کند که ارزش گذاری اموال فکری تنها زمانی معتبر و قابل استناد باشد که پشتوانه ای روشن در نظام حقوقی کشور داشته و مالکیت آن رسماً به رسمیت شناخته شده باشد.

۱. ماده ی ۱ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸: از نظر این قانون به مؤلف و مصنف و هنرمند "پدیدآورنده" و به آنچه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان پدید می آید بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان و یا ظهور و یا ایجاد آن به کاررفته "اثر" اطلاق می شود.

۲. ماده ی ۲۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸: حقوق مادی پدیدآورنده موقعی از حمایت این قانون برخوردار

خواهد بود که اثر برای نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده باشد و قبلاً در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا پخش و یا اجرا نشده باشد.

نتیجه‌گیری

برآیند این پژوهش آن است که اصول مندرج در ماده ۴ آیین‌نامه ارزش‌گذاری اموال فکری را نمی‌توان در حد مجموعه‌ای از قواعد شکلی، توصیه‌های حرفه‌ای یا معیارهای صرفاً اداری فروکاست؛ بلکه این اصول باید به‌مثابه زیرساخت هنجاری، حقوقی و فنی فرایند ارزش‌گذاری فهم شوند. به‌بیان‌دیگر، هرچند ارزش‌گذاری در ظاهر عملی اقتصادی، محاسباتی و مبتنی بر داده‌های بازار به نظر می‌رسد، اما اعتبار و قابلیت اتکای آن در نظام حقوقی، منوط به رعایت اصولی است که در ماده ۴ بر آن‌ها تأکید شده است. از این منظر، اصول مزبور ستون فقرات هر ارزش‌گذاری معتبرند؛ زیرا هم مسیر تحلیل کارشناس را هدایت می‌کنند، هم حدود دآوری تخصصی او را مشخص می‌سازند و هم امکان ارزیابی، کنترل و پذیرش نهایی گزارش از سوی مراجع ذی‌ربط را فراهم می‌کنند.

اهمیت این اصول از آن‌روست که ارزش‌گذاری اموال فکری، برخلاف بسیاری از اموال مادی، با موضوعی سروکار دارد که موجودیت اقتصادی آن به‌طور کامل از وصف حقوقی آن جداشدنی نیست. در اموال فکری، ارزش اقتصادی از یک وضعیت حقوقی معتبر سرچشمه می‌گیرد؛ درواقع، کارشناس نه‌فقط با اعداد و مدل‌های مالی، بلکه با حق، حدود حق، قلمرو حمایت، مدت حمایت، امکان تعرض ثالث، قابلیت انتقال، امکان ابطال یا زوال حق، و وضعیت بهره‌برداری قانونی مواجه است. به همین دلیل، تبصره ماده ۴ آیین‌نامه به‌درستی تأکید می‌کند که ارزش‌گذاری زمانی می‌تواند منشأ اثر باشد که مال مورد ارزیابی، در ماهیت خود واجد اوصاف مال فکری و تحت شمول حمایت قانونی باشد. بنابراین، صرف ادعا، ثبت ناقص، انتساب عرفی، یا حتی بهره‌برداری عملی از یک مال فکری، لزوماً مبنای معتبری برای ارزش‌گذاری نیست؛ بلکه ابتدا باید احراز شود که موضوع موردنظر، از منظر حقوقی واقعاً یک مال فکری قابل حمایت است.

بر این اساس، بی‌اعتنایی به چارچوب مقرر در ماده ۴ و تبصره آن، می‌تواند سلسله‌ای از آثار منفی و گاه جبران‌ناپذیر به همراه داشته باشد. نخستین پیامد، کاهش یا زوال قابلیت استناد گزارش در برابر مراجع رسمی است. گزارشی که به لحاظ مبانی حقوقی ناقص، به

لحاظ مفروضات اقتصادی مبهم، یا به لحاظ داده‌های بازار غیر شفاف باشد، ممکن است از سوی مراجع ذی‌ربط، مردود یا کم اعتبار تلقی شود. دومین پیامد، افزایش احتمال تعارض، اعتراض و اطاله رسیدگی است؛ زیرا هر قدر گزارش از شفافیت و استحکام کمتری برخوردار باشد، بیشتر در معرض ایراد، ارجاع مجدد، کارشناسی تکمیلی یا جلب نظر هیئت‌های بالاتر قرار می‌گیرد. سومین پیامد، ایجاد زمینه مسئولیت برای ارزیاب یا کارشناس است؛ به‌ویژه هنگامی که اشخاص ثالث بر مبنای این گزارش مبادرت به تصمیم‌گیری نموده باشند.

در مقابل، رعایت دقیق اصول ماده ۴ و پیوند منسجم آن‌ها با ارکان اجرایی ارزش‌گذاری، گزارش‌نهایی را از یک متن صرفاً فنی به یک سند معتبر بینا رشته‌ای ارتقا می‌دهد؛ سندی که هم به زبان اقتصاد سخن می‌گوید و هم در چهارچوب حقوق قابل دفاع است. چنین گزارشی باید از آغاز، هدف و مقصود ارزش‌گذاری را روشن سازد؛ معلوم کند که ارزش برای چه منظوری برآورد می‌شود و پیش‌فرض ارزش‌گذاری آن چیست. همچنین توصیف روشن مال فکری، منبع ایجاد حق، قلمرو حمایت، وضعیت ثبت یا عدم ثبت، مدت حمایت، محدودیت‌های قراردادی، دعاوی احتمالی و تاریخ ارزش‌گذاری، از ارکان غیرقابل حذف این فرایند است. تنها در این صورت است که می‌توان انتظار داشت نتیجه‌نهایی برای ذی‌نفعان این گزارش، دارای قابلیت اتکا و آثار عملی باشد.

بر همین مبنا، برای ارتقای کارایی و اعتبار این نظام، دست‌کم سه راهکار کلیدی قابل پیشنهاد است. نخست، تدوین دستورالعمل‌های تفصیلی، عملیاتی و مرحله‌به‌مرحله برای اجرای اصول ماده ۴ است. آیین‌نامه در سطح هنجاری، جهت‌گیری لازم را ارائه می‌دهد، اما برای تبدیل این جهت‌گیری‌ها به رویه‌ای یکنواخت و قابل‌سنجش، لازم است دستورالعمل‌هایی تهیه شود که به‌طور روشن نشان دهد در هر مرحله از ارزش‌گذاری، کارشناس چه پرسش‌هایی را باید پاسخ دهد، چه اسنادی را باید بررسی کند، چگونه باید وضعیت حمایت قانونی را احراز کند، در چه شرایطی از هر روش ارزیابی استفاده کند، و چگونه فرضیات، محدودیت‌ها و دامنه نظر خود را منعکس سازد. نبود چنین

دستورالعمل‌هایی، به ناهمگونی رویه‌ها، وابستگی بیش از حد به تشخیص فردی و کاهش قابلیت مقایسه گزارش‌ها منجر می‌شود.

دوم، باید مستندسازی به عنوان یک تعهد نهادی و نه صرفاً یک توصیه حرفه‌ای، در کانون نظام ارزش‌گذاری قرار گیرد. در عمل، مهم نیست که کارشناس به چه نتیجه‌ای رسیده است؛ مهم‌تر آن است که آیا می‌توان نشان داد این نتیجه بر چه داده‌هایی استوار بوده، چگونه پردازش شده و چرا از میان گزینه‌های مختلف، روش یا فرض خاصی برگزیده شده است. بنابراین، لازم است ارزیاب مکلف باشد مفروضات اساسی، منابع اطلاعاتی، داده‌های بازار، محدودیت‌های موجود، نحوه احراز وضعیت حقوقی مال فکری، تحلیل ریسک‌ها و منطق انتخاب روش را به گونه‌ای ثبت و ارائه کند که امکان حسابرسی، ارزیابی مجدد، اعتراض ذی‌نفعان و بررسی قضایی فراهم باشد.

سوم، نظام ارزش‌گذاری اموال فکری باید از ظرفیت بازنگری و به‌روزرسانی مستمر برخوردار باشد. این حوزه به شدت از تحولات فناوری، مدل‌های جدید کسب‌وکار، اقتصاد پلتفرمی، داده، دارایی‌های دیجیتال، نرم‌افزار، الگوریتم، محتوا و اشکال نوین بهره‌برداری تأثیر می‌پذیرد. در چنین فضایی، مقررات و الگوهای ارزیابی اگر ایستا بمانند، به سرعت از واقعیت بازار عقب می‌افتند. بنابراین، لازم است سازوکاری نهادی برای بازبینی مستمر آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و رویه‌ها طراحی شود تا اصول ثابت حقوقی، با ابزارها و شاخص‌های متناسب با تحولات جدید همراه گردد. این به‌روزرسانی باید نه سلیقه‌ای و موردی، بلکه مبتنی بر رصد تحولات بازار، تحلیل تجربه‌های اجرایی، مطالعه تطبیقی و دریافت بازخورد از مراجع قضایی، کارشناسان، حسابرسان، فعالان فناوری و نهادهای تنظیم‌گر باشد.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. اسلامی تبار، امیر، حقی، محسن، رئیسی، محسن (۱۴۰۲). ارزش گذاری دارایی های نامشهود در نظام های حقوقی ایران، چین و کره جنوبی. مجله دیدگاه های حقوق قضایی، ۱۰۴(۲۸): ۲۳-۴۶.
۲. حیاتی، علی عباس (۱۳۹۷). مفهوم اصل حقوقی و مقایسه ای آن باقاعده های حقوقی مطالعه ای تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه. مجله دو فصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، ۲(۱۴): ۲۹-۴۲.
۳. محمدی، پژمان، اسدی روح الله (۱۳۹۱). ماهیت انتقال مالکیت اموال غیرمادی غیر فکری. مجله دانش و پژوهش حقوقی، شماره ۱(۱): ۹۴-۱۱۶.
۴. محمدی، پژمان، محمد کریمی، محمدجواد (۱۴۰۴). قرارداد پذیری حقوق معنوی مؤلف در ایران و اتحادیه اروپا. مجله پژوهش های حقوق تطبیقی، ۲(۲۳): ۱۴۷-۱۸۶.

منابع انگلیسی

Articles

1. Eslami Tabar.A,Haghi.M,Reisi.M.(2023).Valuation of intangible assets in the legal systems of Iran, China and South Korea. *Journal of Judicial Law Perspectives*.104(28).23-46.
2. Hayati.A.A.(2018).The concept of legal principle and its comparison with legal rule: Acomparative study in Iranian and French law. *Journal of Civil Law Knowledge*.2(14).29-42.
3. Mohamadi.P, Asadi.R.(2012). The nature of ownership assignment of the thing incorporeal other than intellectual Property. *Journal of Legal Knowledge and Research*.1(1).94-116.
4. Mohamadi.P, Mohamad Karimi.M.(2025). A Contractability of Author's Moral Rights in Iran and the European Union. *Journal of Comparative LawResearch Quarterly*. 2(23).147-186.

Books:

1. Daum. J. H .(2003).Intangible assets and value creation. York: John Wiley & Sons,.
2. Jamar. Steven D, Mtima. Lateef, eds .(2024).The Cambridge Handbook of Intellectual Property and Social Justice. Cambridge: Cambridge University Press.

3. Koller. Tim, Goedhart. Marc, Wessels. David .(2020).Valuation : Measuring and Managing the Value of Companies. 7th Ed. New York : John Wiley & Sons.
4. Moore. Lindsay, Craig .Lesley .(2008).Intellectual Capital in Enterprise Success : Strategy Revisited. New York : John Wiley & Sons,.
5. Parr. RL .(2018) .Intellectual property : valuation, exploitation, and infringement damages. New York : John Wiley & Sons.
6. Pratt. Shannon P , Reilly . Robert F, Schweihs. Robert P .(2008). *Valuing a Business: The Analysis and Appraisal of Closely Held Companies*, 5th Ed. New York : McGraw-Hill,.
7. Razgaitis. R. (2009).Valuation and Dealmaking of Technology-Based Intellectual Property : Principles, Methods, and Tools. New York : John Wiley & Sons,.
8. Reilly. Robert, P Schweihs Robert .(2016) Guide to intangible asset valuation. New York : John Wiley & Sons.
9. Reilly. Robert, P Schweihs. Robert .(1998) Valuing Intangible Assets. New York : McGraw-Hill.
10. Reilly. Robert, P Schweihs. Robert .(2004).The handbook of business valuation and intellectual property analysis. New York : McGraw-Hill.
11. Smith. Gordon V, L Parr Russell .(2004).Valuation of Intellectual Property and Intangible Assets : Cumulative Supplement. 3th Ed. New York : John Wiley & Sons.
12. Zyla. M L .(2020) Fair value measurement : Practical guidance and implementation. New York : John Wiley & Sons.

Article:

- 1.Ojha. P.A, Kumari.Priya.(2023) . Methods of valuation of intellectual property assets. NTUT Journal of Intellectual Property Law and Management. 12(2) . 15-30.

Documents:

1. American Society of Appraisers. (2022). *ASA Business Valuation Standards*. Herndon, V : approved through February.
2. International Valuation Glossary Business Valuation, Jointly published by the American Society of Appraisers (ASA). (2021)CBV Institute, Royal Institution of Chartered.
3. International Valuation Standards Council. (2016) (*IVSC*) *IVS 210: Intangible Assets (Exposure Draft)*, London: IVSC.
4. *ISO 10668:2010 Brand valuation: Requirements for monetary brand valuation*. (2023) Geneva, International Organization for Standardization,.

5. Kamiyama, Shigeki, Sheehan, Jerry, Martinez.Catalina. (2006). *Valuation and Exploitation of Intellectual Property*, OECD Science, Technology and Industry Working Papers.
6. World Intellectual Property Organization. (2020)WIPO IP Valuation Manual: Module 11,Valuation of Intellectual Property Assets. Geneva : WIPO.